

# سازمانهای «حفاظتی» ساواک احیاء میشود

نمایندگان رژیم فعلی به تقلید از پدران ناتنی خود با شعارهای فریبنده نان، آزادی، برابری و استقلال توده‌های عظیم زحمتکشان و بویژه کارگران را بدنبال خود کشاندند و به یمن نیروی عظیم اینان بر مسند قدرت تکیه زدند و امروز به آنان خیانت میکنند.

دولت سرمایه‌داری مهندس مهدی بازرگان حکم عریضه و شعور طلبگانی اس ارکسو و موقعت "طلائی" دوران کنونی ارسوی دیگر با سرعت هرچه نمایم تریلکان شرقی را یکی پس از دیگری طی کرده و حتی بدون احتساب ملاحظاتی زمانی جای پای اسلاف خویش را اشغال میکند. بدون احتساب ملاحظات زمانی ریزا که اگر در نمونه‌های تاریخی گذشته، انقلابات شورژواری در مقابل مناسبات ارتجاعی ناقص سرمایه‌داری نقش کمابیش انقلابی بازی کردند، این سرمایه‌دگان سرمایه‌داری ایران، ارتجاعی تر از خود نباشند. اندامی و اندامی است انقلابی بخود میگیرند. این البته شاید نگاه خودشان بحساب نباید زیرا که ایشان در دورانی پانزدهم وجود میگذارند که رهدان تاریخ، حکم جهانی شدن مناسبات سرمایه‌داری، هر آنچه تولد میکند موجودی ناقص - الخلفه، ذلیل و ستروان است. با وجود این، دولت بازرگان مانند کلاهی که راه رفتن کبک را تقلید کند و همچون کبکی که سر بر سر بر سر فرو برده باشد، ابائسی ندارد که هیکل ریش و دم منظر خود را تماما به نمایش بگذارد.

همه میدانیم که نمایندگان رژیم فعلی به تقلید از پدران ناتنی خود چگونه با شعارهای فریبنده نان، آزادی، برابری و استقلال توده‌های عظیم زحمتکشان و بویژه کارگران را در جیب‌های واحد علیه رژیم گنبدیده و ضد مردمی پهلوی بدنبال خود کشانیدند و به یمن

نیروی عظیم این ارتش بیرون طلق سر مسدودت تکیه زدند. و شاید همه ندانند که برخلاف آن شعارهای عاریت گرفته شده کسانی که، به تنها درخواستهای استحقاقی خویش پی برده ماندند، بلکه همه جنک و جدال و خونریزیها، مخاطب تصاحب نیروی کار اینان بنا کردند. بن ستم‌سندگان و با نفول خودشان "مستضعفین" بویژه کارگران هستند. یعنی کسانی که چه در جشن و چه در عرافت‌های و کتاب میشوند.

امروز با تکیه به واکس رژیم کنونی در قبال خواستهای حق و اساسی توده‌های رنج‌دیده، تعجب کسانی کیسه هنوز نشانه ماهیت و حتی روشهای رژیم حاکم با رژیم محمد رضا شاهی را نمی‌توانستند باور داشته باشند. اما بر مبنای است. اگر در ابتدای زمانه‌های رژیم می‌توانستیم حرکت‌های ضد مردمی رژیم را در کارگری نیروهای با قدرت خریداری توجیهاتی نظیر هرج و مرج و خلافت قدرت سیاسی و غیره قابل تامل بدانیم، در این مقطع که جناح‌های حاکم لااقل در سرکوبی نیارهای حق طلبانه و مترقی مردم به وحدت رسیده‌اند و قواست ضد خلقی و ضد کارگری دوران آریامهری یکی پس از دیگری احیاء میشوند، چگونه میتوان حتی لحظهای در ماهیت این دولت، حکومت و رژیم حاکم تردید نمود. "مذاق‌نالی" انگیز بود که از ابتدای هر حرکت حق طلبانه و مترقی از آن جمله حرکات کارگری زده میشد، اگر در ابتدای امر بسیاری از

خواستهای کارگری از طریق سطا هرات، شخص، اعتدات جدا و غیره و با کمک گروه‌های متنوع صنعتی و سیاسی کارگران اجازه خودمختاری پیدا کردند، اسامی نمود. اس آزادی‌ها به خاطر حمل و خطب دم و کرانیک مسدود شدن حاکم، بلکه انجمن در سبب خاطر همان شرایط هرج و مرج و خلافت قدرت سیاسی که بدان اجازه میداد، البته طراح نه‌ارهایی نظیر مسکن و کار برای "مستضعفین" و تشکیل سندیکاها و شوراهای غیره که در ابتدای امر سر زبانشان جاری شد، سر از فرصت‌گواهی به نجات و "مراغی انقلابی" تبدیل شدند. عامل از اینکه این "مراغی انقلابی" فرصتی بود که بتواند همان قوانین ضد کارگری آریامهری را احیاء کرده باشند. و مگر احیاء نشد؟ تحریم اعتصاب، کوشش حریفان تشکلات کارگری، نسبت ۴۸ ساعت کار در هفته، تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار و دادگاه‌های فوری - العاده برای جرائم "مذاق‌نالی" و... از آن جمله‌اند.

مادر اینجاست قوانین ضد کارگری و حمایت از سرمایه‌داری که در اصول ۹، ۴۵، ۴۳، ۴۷ و غیره که در پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده است منتهی برداریم.

در این نوشته سعی ما در افشای توطئه جدید رژیم علیه کارگران است که تحت عنوان تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار، در وزارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۳۱ تصویب

تصویب نامه راجع به تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار در وزارت کار و امور اجتماعی

هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۵۸/۳/۷ بنا به پیشنهاد شماره ۷۹۹۹ مورخ ۱۳۵۸/۲/۳۱ وزارت کار و امور اجتماعی تصویب نمودند :

ماده ۱- بمطور نگاهبانی روابط کار بر اساس قوانین و مقررات مربوط نیروی بنام نیروی ویژه تنظیم روابط کار در وزارت کار و امور اجتماعی و تحت نظارت و سرپرستی آن وزارت تشکیل میشود.

ماده ۲- وظائف نیروی ویژه عبارت است از :

۱- مراقبت در نظم و انتظام کارگاهها و کارخانه ها .

۲- ممانعت از دخالت افراد و سازمانهای غیرمسئول در امور کارگاهها .

۳- اجرای دستورهای مقامات صلاحیتدار وزارت کار و امور اجتماعی در تمام مقاصد مذکور در ماده ۱۴.

۴- جلوگیری از تحریک عوامل ضد انقلاب و تعطیل کارگاهها .

۵- جلوگیری از دخالتهای کمیته های اعتصاب بناشوراها و کارکنان و نظایر آن در مدیریت موسسات و ایستگاهها .

ماده ۳- افراد عضو نیروی ویژه جزء تابعین دادگستری محسوب میشوند .

ماده ۴- افراد غیر نیروی ویژه از طریق خرید خدمت بکارگمارده میشوند، تعداد و دستمزد آنان بر اساس مقررات مربوط با تصویب وزیر کار و امور اجتماعی تعیین و پرداخت میشود .

ماده ۵- متخدمت این گروه ششماه از تاریخ تصویب این تصویب نامه خواهد بود و در پایان این مدت در صورت احساس نیاز به خدمات آنان و نیز در صورت ... بودن اعتبار به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیئت وزیران میتوان خدمات آنان را تمدید نمود .

ماده ۶- به وزیر کار و امور اجتماعی اجازه داده میشود افرادی را که تا تاریخ تصویب این تصویب نامه در ماده ۱۴ اشتغال داشته اند در شمار افراد نیروی ویژه بر اساس تصویب نامه به خدمت بکارگمارد و دستمزد آنان را از تاریخ که عملاً به کار پرداخته اند تعیین و در مراحل اعتبارات وزارت کار و امور اجتماعی پرداخت نماید .

ماده ۷- سازمان برنامه و بودجه مکلف است اعتبار اجرای این تصویب نامه را بر حسب اعلام وزارت کار و امور اجتماعی تامین و واریز نماید .

ماده ۸- وزارت کار و امور اجتماعی مأمور اجرای این تصویب نامه است . اصل این تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است .

نخست وزیر

و به تأیید دولت نیز رسید .

کافی است که تصویب نامه فوق را با احکام ارتجاعی و جنایت بار سازاک علیه کارگران و یابتر بگوئیم بنا فرامین برده داران دوره سرپریت که بر سر بردگان فرود آمد مقابسه کنیم . آیا این همان آقای بازرگان ، زاهد معروف است که در خدمت سرمایه چنین اختیار از کفش خارج شده است ؟

گفتم : ای شیخ به میخانه روی بنا دروی ؟ گفت : باله بسر میروم ارز بدهند . به بند کشیدن کارگران و استثمار آنان ، امری نیست که گناه آن را به

کردن دولت آقای بازرگان یا حتم . رژیم شاه بیاندازیم ، این جزء لاینفک نظام سرمایه داری است که در هر کجای دنیا از این قانون ذاتی ، پیروی کرده و خواهد کرد . تنها گناه "کوچکی" که متوجه رژیم طرفدار جامعه "بی طبقه توحیدی" میشود اینست که ایشان در مقابسه با همپالگی های غربی شان ، نسبت به "مستضعفین" وطنی خودشان "کمی" کم لطفی میدول میدارند . شاید آزادیهای بورژوازی نظیر آزادیهای اتحادیه ای و سندیکا های مستقل کارگری اروپائی ، از آنجائیکه صرفاً "در غرب به رسمیت شناخته شده اند ، باب بلیقیه

"پرهیزگاران" و "عابدین" رهبری رژیم مانیستند . ولی شما ، ای آقایان نسه شرقی ونه غربی ، خودتان چه گلی بسر مستضعفین یا برهنه زده اید ؟ الحق که روی استادان غربی و شرقی تان را سفید کرده اید . برگردیم به اصل مطلب و تصویب نامه دولت درباره تشکیل گروه ویژه ، این تصویب نامه همانند قانون مطبوعات به عنوان پیش شرط جلوگیری از گسترش سایر آزادیها و قبل از تصویب قانون اساسی - برای جلوگیری از گسترش آگاهی صنفی و سیاسی طبقه کارگر و تشکیلات مستقل کارگری میبایستی قبل از تصویب قانون

اساسي به اجرا درآمده. تشكيل نيروي گروه ویژه در واقع يعني احداث همان اداره حفاظت که در زمان شاه توسط ساواک سرای کنترل و سرکوب هرگونه خواست صنفی و سیاسی در کلیه ادارات و بویژه کارخانجات تشکیل شده بود. نگاهی به علت تشکیل این باند و وظائف تعیین شده برای آن از جمله اول انسان راه تعهد و امیدارده اینقدر "مراقبت" "نظم و انتظام"، "ممانعت از دخالتست افراد و سازمانهای غیر مسئول"، "جلوگیری از دخالت کمیته های اعتصاب و شوراهای کارکنان و نظایر آن در مدیریت موسسات و انتصابات و غیره... در کارگاهها و کارخانجات و آسبم از طریق "خرید خدمت" کسانی که قبل از این تصویب رسیدن این فضاخت نامه عملاً بانجام "وظائف" فوق مشغول بوده اند ۱۱۱. اینها همه برای چیست؟ آقایان شما از چه هراس دارید؟ پاسخ روشن است. کنجی که بر روی آن نشسته اید کرانیهاتر از جواهرها و کاخهای سربلک کشیده و شروتهای بادآورده آریامهری است. همان کنجی که نظام سرمایه داری برشالوده اش استوار گشته است. سرمایه بکران و تمام ناشدنی حاصل از استثماری نیروی کار میلیونها رحمتکش و کارگر. ولی اینهمه غل و زنجیر، زندان و زندانبان گروه ویژه و دادگاههای فوق العاده و غیره برای چیست؟ پاسخ باز هم روشن است. زیرا شما "بی تحریر تر" و "بی عرضه تر" از آن هستید که با اطمینان و طیب خاطر همچون سوداگران غربی از این منبع ثروت "حفاظت" نمائید. نظم شما طبیعتاً بانظم هم کیسه های غربی تان متفاوت خواهد بود. نظم شما بیان همان نظم آریامهری است. عجیب نیست که آقای امیر انتظام، معاون سابق نخست وزیر در مصاحبه ای گفت: "تا وقتی که قانون جدیدی برای کارگران برشته نشده است، همان قانون کار قدیم باید اجرا گردد." و در این بین رابطه قبل از اینکه "دیر" شود و کارگر ابتکار عمل را در دست گیرنده تصویب گروه ویژه یا همان سازمان حفاظتست ساواک مبادرت گردید. شما با این "شاهکار تان" نه تنها دم خروس بلکه خود

خروس را هم از لای عسای نان لودا دیدند. شما با تکرار نمایشات مسخره و کمیک ضد کارگری کارکردان رژیم قبلی حقیقی توده های بویژه کارگران آگاه را بخندند هم نمی اندازید.

باتوجه به بند ۱ از ماده ۲ مبنی بروطائف گروه ویژه معلوم میشود که آقایان، کارگاهها و کارخانجات را با سربازخانه و کارگران را با گماشتگان - اشتباهی گرفته اند. شما از کدام نظم در کارخانجات میخواهید مراقبت کنید؟

"ممانعت از دخالت افراد و سازمان های غیر مسئول در امور کارگاهها" بند ۲ از ماده ۲، آیا این افراد و سازمانهای غیرمسئول، چه کسانی غیر از کارگران آگاه و سازمانها و شوراهای کارگری است؟ کور خوانده اید. با تجربیاتی که کارگر طی ۲۵ سال گذشته بدست آورده اند بخوبی معنی حرف شمارا می فهمند. یعنی همان سیاستی که ساواک برای جلوگیری از هر نوع دخالت کارگران در امور صنفی و سیاسی خودشان بکار می برد.

"جلوگیری از دخالت های کمیته های اعتصاب یا شوراهای کارکنان و نظایر آن در مدیریت موسسات و انتصابات"، (بند ۴ از ماده ۲) در اینجا دیگر لیب مطلب ادا شده است. مسئله بسیار جدیست زیرا که در دوران مبارزه یعنی زمانی که کارگران در مبارزه علیه رژیم شاه بنا تشکیل کمیته های اعتصاب و شوراهای کارگری "نظم" آریامهری رافلج کردند در عین حال ارگانهای اولیه نظم کارگری را پایه ریزی کرده و پس از سرنگونی رژیم شاه برای تحقق خواستهای بحق خویش تشکیلات مستقل از کارفرمایان را به صورت انتخابی استحکام بخشیده و سعی در نظارت بر مدیریت و تولید داشتند. شوراهای کارخانجات ارج و متناسب با در ابتدای تشکیلشان از این نظر نمونه های بارزی هستند. آیا این برای کارفرمایان جدید وحشت انگیز نیست؟ این دیگر دست پخت بعد از انقلاب است. زیرا در زمان شاه دولت خیالش از کمیته اعتصاب و شوراهای کارگری راحت بود. ولی کارفرمایان جدید عجله زیادی بخرج میدهند و میخواهند علاوه بر کوتاه کردن دست سندیکاها و شوراهای کارگری از نظارت

بر تولید و دخالت در مدیریت و انتصابات به همان اندازه رژیم قبلی خیالشان راحت باشد. پس تنها راه حل، لغو هر گونه تشکیلات مستقل کارگریست و بهانه برای انجام آن نیز زیاد مشکل نیست زیرا که در کنفرانس اداری که در کساح سنای سابق با شرکت وزیران و معاونان و کارمندان عالی اداری تشکیل شد، آقای غلامعلی چمرانی زاده، معاون وزارت - ارشاد ملی، علل عدم تحرک و رکود در دستگاههای دولتی را وجود کمیته ها و شوراهای کارکنان که قبل و بعد از انقلاب بوجود آمدند از زیایی کرد. یکی از راه حل های مختلفی که ارائه شد، انحلال این شوراهای و برقراری سیستم "واقعی" مدیریت و تصمیم گیری از بالا به پایین بود.

بندهای ۴، ۳، ۲، ۱ از ماده ۲ تصویب نامه وزارت کار و امور اجتماعی، وظائف ویژه ای بودند که میبایستی توسط نیروی بنام "گروه ویژه تنظیم روابط کار با اجراء" در آید. بدنیست به ویژگی افراد این گروه هم نظری بی- افکنیم تا بهتر ما مهت اس "سازمان حفاظتی" بازسازی شده آشنا شویم. در ماده ۶، ۵، ۴ از تصویب نامه فوق آمده است که گروه ویژه از افرادی تشکیل میشود که از طریق خرید خدمت - بخوانید مزدوری - و برای شمشاه که میتواند در صورت لزوم تمدید شود با استخدام این اداره در بیایند. حال است که "خادمین" یا همان مزدوران قبلی، یعنی کسانی که قبل از تصویب آئین نامه فوق عملاً بانجام همین وظایف مشغول بودند نیز واجد شرایط فوق میباشد. ولی مگر اینها کسانی بجرمان ما مورین حفاظت یا صریحاً "همان ساواکی هانیستند؟ ولی فرقی که بین سازمان حفاظت سابق و گروه ویژه کنونی وجود دارد اینک که اینبار به "ناند" جدیدالتاسیس جنبه حقوقی و قانونی هم داده اند، زیرا که اعضای گروه ویژه بایستی در ضمن از ضابطین دادگستری باشند. در ادامه این توجیه "قانونی" اما، میبایستی که مراجع قضائی "صلاحیتدار" هم برای حفظ ظاهر وجود بیایند بنا بر این دادگاه-

های ویژه‌ای هم بیام دادگاههای فوق‌العاده برای جرائم "فدائقلاب" در نظر گرفته شد.

ماده ۹ از جرائم صدامقلاب در این باره جنس سکویید: "اعمال اشخاصی که به نحوی اراحاء در امور کارگاه‌ها و کارخانجات کشور اخلال و کارگران را تحریک و تحریص به تعطیل کار و کارگاه و کارخانجات نماید، ضربه زدن به مصالح کشور از جرائم صدامقلابی است و مرتکب بر حسب درجات حرم حسب تشخیص دادگاه سه تا پنج سال محکوم میشود."

الحق که ارحامیان سرمایه داران و صاحبان زرور و جرایم هم انتظاری نمی رود.

خلاصه اینکه تصویب نامه فوقی با اضافه زمزمه های برجیدن شوراهاى کارگری و تشیست ۴۸ ساعت کار در هفته سه

لعوضی حق اعتصاب تحت این عنوان که : "آنچه در قانون اساسی نیست مجاز است ارحمله حق اعتصاب" (از فرمایشات آقای سنی صدر) و لغو حق کار و ... همه بر روی هم زمینه سازی احیای قوانین ضد کارگری رژیم سرمایه داری شاه است . شواهدی که رژیم کنونی تابحال از خود نشان داده است تا ماهیت نظام حاکم در زمان شاه تفاوت جسدانی ندارد. برای ربحران بویژه کارگران هیچ راهی بجز دگرگونی اساسی‌هاى استثمارى نظام سرمایه داری باقی نمانده است . تظلم خواهی مظلوم جریبیره گى و خیره سرى ظالم نمرى ندادند. رنخواهند داد. بغول شاعر انقلابی :



شمسیر لازمست بقلب توانگران

چون تیر آه کارگران کارگر نبود

